

## بررسی ادراک زنان جوان ایرانی از هنجارهای زنانگی

\*فاطمه حمزوی عابدی<sup>1</sup>، فاطمه باقریان<sup>2</sup>، محمدعلی مظاهری<sup>3</sup>

1. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی دانشگاه شهید بهشتی، 2. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، 3. استاد گروه

روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ وصول: 93/09/13 - تاریخ پذیرش: 94/01/28)

## Investigating Young Iranian Women's Understanding of Femininity Norms

\*FatemehHamzavi Abedi<sup>1</sup>, Fatemeh Bagherian<sup>2</sup>, Mohammad Ali Mazaheri<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student in General Psychology, Shahid Beheshti University, 2. Assistant Professor in Department of Psychology, Shahid Beheshti University, 3. Professor in Department of Psychology, Shahid Beheshti University

(Received: Dec. 04, 2014 - Accepted: Apr. 17, 2015)

### Abstract

**Aims:** People's understanding of their social world has a significant impact on their behavior. Their perception of their role in society and social expectations of them are important parts of this understanding. This study investigated young -18 to 25 year old- women's perception of femininity and the social expectations related to it. **Method:** The study used descriptive design and availability sampling. Forty-five female students from Fars, Turk, and Kurd ethnicities participated voluntarily in this explorative study. Seven focus groups, each consisting of 6-8 participants discussed femininity, social expectations from women, and their experiences in this regard. **Results:** Content analysis of focus groups discussions revealed 8 themes in young women's perception of feminine norms. The most important of these themes were success-directedness especially in education on one hand and chastity on the other hand. **Conclusion:** The findings revealed that there are notable similarities between young Iranian women's perception of feminine norms with those of young women from other cultures. On the other hand, norms such as chastity, religiousness, and respect for elders are among themes that distinguish our findings from western studies' results.

**Keywords:** Femininity Norms, Perception of Social Expectations, Young Women.

### چکیده

مقدمه: شناخت افراد از دنیای اجتماعی پیرامونشان، نقش مهمی در رفتار آنها دارد. ادراک افراد از نقششان در اجتماع و انتظاراتی که از آنان می‌رود، جزء مهمی از این شناخت به شمار می‌رود. مطالعه حاضر به بررسی ادراک زنان جوان 18 تا 25 ساله از زنانگی و انتظارات اجتماعی مرتبط با آن می‌پردازد. روش: این مطالعه از طرح پژوهشی توصیفی و روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده کرده است. چهل و پنج دانشجوی دختر از سه قومیت فارس، ترک و کرد به صورت داوطلبانه در این پژوهش مشارکت کردند. هفت گروه متمرکز 6 تا 8 نفره به بحث و گفتگو درباره مفهوم زنانگی، انتظارات اجتماعی از زنان و تجربیات شخصی خود در این زمینه پرداختند. یافته‌ها: تحلیل محتوای مصاحبه‌ها به هشت طبقه مفهومی در ادراک مشارکت‌کنندگان از هنجارهای زنانگی انجامید. مهم‌ترین این محورها را جهت‌گیری موفقیت خصوصاً در زمینه تحصیلات از یک‌سو و نجابت از سوی دیگر تشکیل می‌دادند. نتیجه‌گیری: نتایج این مطالعه نشان دادند ادراک زنان جوان ایرانی از هنجارهای زنانگی اشتراکات قابل توجهی با زنان جوان سایر فرهنگ‌ها دارد. از طرف دیگر، هنجارهایی همچون نجابت، دینداری و احترام به بزرگترها از جمله موارد افتراق با نتایج مطالعات انجام شده در جوامع غربی بود.

**واژگان کلیدی:** هنجارهای زنانگی، ادراک انتظارات اجتماعی، زنان جوان.

## مقدمه

وجود دارد. تصورات قالبی مجموعه‌ای از باورها، ساده‌انگارانه، انعطاف‌ناپذیر و بیش‌تعمیم داده شده درباره اعضای یک گروه هستند که به دو بخش توصیفی و تجویزی تقسیم می‌شوند (سانچز- لویز، کولا- فلورس، درچ و آپاریچیو- گارسیا<sup>2</sup>، 2009). تصورات قالبی توصیفی به توصیف اعضای یک گروه بر اساس مجموعه‌ای از باورهای کلیشه‌ای می‌پردازند؛ برای مثال، آلمانی‌ها منظم هستند یا هندی‌ها صلح دوست هستند. در مقابل، تصورات قالبی تجویزی نوع خاصی از احساس، تفکر و رفتار را برای اعضای گروه تجویز کرده و نوع دیگری از احساس، تفکر و رفتار را برای آن‌ها منع می‌کنند.

تصورات قالبی تجویزی را می‌توان معادل روان‌شناختی آنچه جامعه‌شناسان هنجار می‌خوانند دانست. برخی محققان تصورات قالبی (برای مثال، پرنیتس و کارانزا<sup>3</sup>، 2004) معتقدند تصورات قالبی جنسیتی بیش از سایر تصورات قالبی از ماهیتی تجویزی برخوردارند. در دهه‌اخیر، مطالعات متعددی به بررسی محتوای تصورات قالبی جنسیتی (برای مثال رودمن و گلیک<sup>4</sup>، 2001؛ پرنیتس و کارانزا، 2002؛ پرنیتس و کارانزا، 2004؛ گارسیا<sup>5</sup>، 2008؛ مارشال، استپلز و گیسون<sup>6</sup>، 2009؛ سانچز- لویز و کولا- فلورس، 2011؛ پایکوس<sup>7</sup>، 2012) و بررسی ساختار مردانگی و زنانگی (ماهالیک و

انسان، به‌عنوان یک موجود اجتماعی، خیلی زود یاد می‌گیرد که چگونه مطابق هنجارهایی که نقش او را در جامعه مشخص می‌کنند فکر، احساس و عمل کند. همان‌طور که هر بازیگری می‌کوشد تا با درک بهتر فیلم‌نامه و آنچه مخاطبان از او انتظار دارند به ایفای نقش خود پردازد، اکثر افراد نیز می‌کوشند تا با درک انتظارات اطرافیان و جامعه به نقش‌های اجتماعی خود بهتر عمل کنند. نکته حائز اهمیت این است که این ادراک و قضاوت افراد درباره انتظارات دیگران و نقش اجتماعی‌شان است که تأثیر مستقیمی بر رفتار آنان می‌گذارد. در پژوهش زیر تلاش شده است تا ادراک زنان جوان ایرانی از آنچه اطرافیان، جامعه و فرهنگ امروز ایرانی از آنان انتظار دارند، مورد مطالعه قرار گیرد. هنجارها مجموعه‌ای از استانداردها و راهنماهای رفتاری هستند که رفتار اجتماعی اعضای گروه را بدون استفاده از قدرت قانون شکل داده و محدود می‌کنند (ماهالیک، موری، کونرتی- فمیانو، لودلو، اسلاتری و اسمایلر<sup>1</sup>، 2005). از آنجا که جنسیت یکی از سازه‌های اجتماعی اولیه‌ای است که نقش‌های افراد را مشخص می‌سازد، هنجارهای جنسیتی نیز از مهم‌ترین راهنماهای رفتاری هستند که مشخص می‌کنند زنان و مردان در هر موقعیت اجتماعی چگونه باید فکر، احساس و عمل کنند.

ارتباط مفهومی زیادی بین دو سازه هنجارهای جنسیتی و تصورات قالبی جنسیتی

2. Sanchez-Lopez, Cuellar-Flores, Dresch & Aparicio-Garcia  
3. Prentice & Carranza  
4. Rudman & Glick  
5. Garcia  
6. Marshal, Staples & Gibson  
7. Pikus

1. Mahalik, Coonerty-Femiano, Ludlow, Slattery & Smiler

نسلی به نسل دیگر انتقال یافته‌اند و مشخص می‌کنند، تعریف می‌کنند. از آنجا که این هنجارهای اجتماعی در میان ملت‌ها، نژادها، طبقه‌های اجتماعی و قومیت‌های مختلف با یکدیگر متفاوت‌اند، زنانگی نیز در هر گروه اجتماعی به شکلی متفاوت تعریف می‌شود. از این مقدمات می‌توان نتیجه گرفت که برای شناخت زنانگی، بهترین راه مطالعه آن در بافت فرهنگی و اجتماعی مرتبط است.

مطالعات مربوط به محتوای تصورات قالبی جنسیتی و ساختار زنانگی، غالباً منحصر به کشورهای اروپای غربی و آمریکایی بوده و در کشورهای آسیایی چنین مطالعاتی بسیار اندک و پراکنده است. در زیر به مروری خلاصه بر تحقیقاتی که سازه‌های مرتبط با زنانگی را در ایران مورد مطالعه قرار داده‌اند، می‌پردازیم.

تنها زمینه مربوط به تصورات قالبی جنسیتی که در ایران مورد بررسی مفصل قرار گرفته، بررسی نقش‌های جنسیتی و همبستگی آن با متغیرهای مختلف شخصیتی بوده است؛ اما این تحقیقات، قریب به اتفاق از طریق ابزارهایی صورت گرفته که در کشورهای غربی ساخته شده‌اند (برای مثال، ظهره‌وند، 1383؛ علی مددی، 1389؛ اشترایه، مهدویان و کولایی، 1392). استفاده از این ابزارها محدودیت‌هایی را در برداشته است. برای مثال علی‌اکبری دهکردی، محتشمی و حسن‌زاده (1391) در بررسی‌روان‌سنجی پرسشنامه نقش‌های جنسیتی بم که یکی از محبوب‌ترین مقیاس‌های نقش‌های جنسیتی است به این نتیجه رسیدند که فرهنگ و ارزش‌های جامعه ایران سبب شده برخی

همکاران، 2003؛ ماهالیک و همکاران، 2005) پرداخته‌اند. ماهالیک و همکاران (2005) در بررسی زنانگی در جامعه آمریکا به ساختاری 8 عاملی دست یافتند. نتایج مطالعه آنان نشان داد در فرهنگ جامعه اکثریت آمریکا از زنان انتظار می‌رود 1. در روابط دوستانه و حمایتگر باشند، 2. اندامی لاغر داشته باشند، 3. فروتن بوده و از جلب توجه دیگران به توانایی‌ها و استعدادهایشان خودداری کنند، 4. کارهای خانگی را به عهده بگیرند، 5. وقت خود را صرف مراقبت و رسیدگی به کودکان کنند، 6. به روابط عاشقانه اهمیت زیادی دهند، 7. از لحاظ جنسی وفادار باشند و نهایتاً 8. برای حفظ و ارتقای زیبایی خود کوشیده و به ظاهر خود رسیدگی کنند. در تحقیقی دیگر نشان داده شد در جامعه آمریکا، زنانی ایده‌آل زنانگی شمرده می‌شوند که اولاً سفیدپوست بوده، زیبا باشند، دارای صفات شخصیتی و رفتاری زنانه (مثلاً مهربان، حساس،...) بوده و در ازدواج و زندگی خانوادگی نقش سنتی زنانه داشته باشند (به نقل از کول و زاگر<sup>1</sup>، 2007).

اگرچه جنسیت در تمامی جوامع یکی از سازه‌های اولیه شکل‌دهنده هویت و تجارب افراد است اما اهمیت و نقش آن از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می‌کند. علاوه بر جنسیت، زنانگی نیز مفهومی جهانی و تک‌بعدی نیست (زین، هنداکنو - سوتلو و مسنر<sup>2</sup>، 2011). ماهالیک و همکاران (2005) زنانگی را تبعیت احساسی، شناختی و رفتاری زنان از مجموعه هنجارهای اجتماعی که توسط فرهنگ از

1. Cole & Zucker

2. Zinn, Hondagneu-Sotelo & Messner

ارائه نداده و بنابراین نگرش‌های دختران جوان تهرانی را در مقایسه با محورهای برآمده از نظریاتی که از مطالعات در جوامع دیگر نشأت گرفته‌اند، کلیشه‌ای یا غیرکلیشه‌ای می‌خواند. دوم اینکه نمونه این تحقیق تنها از دختران تهرانی تشکیل شده است. گسترده‌تر کردن دامنه جمعیت مورد مطالعه با نمونه‌گیری از دختران و زنانی که در جو فرهنگی سایر شهرها و قومیت‌های ایران رشد کرده‌اند، برای درک بهتر زنانگی در ایران ضروری است.

ایران کشوری چندقومیتی است. اگرچه بیش از هزارسال همزیستی سبب شکل‌گیری اشتراکات و شباهت‌های فرهنگی بین قومیت‌ها و ارتباط نزدیک بین هویت قومیتی و ملیتی در اقوام ایرانی شده (بوسفی و اصغرپور ماسوله، 1392)، اما نادیده گرفتن تمایزها و ویژگی‌های متفاوت فرهنگ‌های قومی امکان‌پذیر نیست. مکی<sup>1</sup> (1998) جامعه ایران را موزاییکی از فرهنگ‌های مختلف توصیف می‌کند. از آنجاکه زنانگی سازه‌ای اجتماعی - فرهنگی است، شناخت زنانگی در جامعه ایرانی بدون توجه به این موزاییک فرهنگی ناکامل خواهد بود. پژوهش فعلی می‌کوشد ادراک زنان جوان ایرانی از زنانگی را در نمونه‌ای که گروه‌های قومیتی متفاوتی را در برمی‌گیرد، موردبررسی قرار دهد.

### روش

طرح پژوهش: این مطالعه، با استفاده از طرح پژوهشی توصیفی و روش تحقیق کیفی ادراک

صفات زنانگی و مردانگی در ایران با آنچه در این پرسشنامه آمده است متفاوت باشد. به‌طور کلی پرسشنامه‌هایی که در غرب طراحی شده باشند توان این را ندارند که جنبه‌هایی از زنانگی که ممکن است منحصر به ایران و یا جوامع غیر غربی باشد شناسایی کنند.

در یک نمونه متفاوت و نسبتاً منحصر به فرد تحقیق درباره زنانگی در ایران، ذکایی و قاراخانی (1386) به بررسی تجربه دختران جوان تهرانی از زنانگی پرداختند. آن‌ها در تحقیق خود به بررسی نگرش‌ها و برداشت‌های دختران دبیرستانی درباره سه محور ارزش‌های زنانگی، نقش‌های جنسیتی و پابندی آن‌ها به کلیشه‌های جنسیتی پرداختند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که ارزش‌های زنانگی در دید اکثر دختران جوان مطابق با تصورات قالبی یا همان تصویر کلیشه‌ای از زنان است. مصاحبه‌شوندگان آن‌ها ارزش‌های زنانگی را در قالب صفاتی همچون مداراجو، حافظ خانواده و فداکار توصیف کردند. آن‌ها مهم‌ترین نقش‌های زنان را نقش‌های خانگی یعنی همسری و مادری دانستند.

مطالعه ذکایی و قاراخانی (1386) اگرچه درکی ارزشمند از درک دختران نوجوان تهرانی از زنانگی ارائه می‌دهد، اما از چند جهت نیازمند مطالعات تکمیلی است. در درجه اول آن‌ها در مطالعه خود بیشتر کوشیده‌اند به این سؤال پاسخ دهند که ادراک دختران از ارزش‌ها و نقش‌های زنانگی تا چه حد منطبق بر تصورات قالبی (کلیشه‌ها) و تا چه حد متفاوت با آن‌هاست؛ اما این مطالعه هیچ تصویر دقیقی از اینکه محتوای تصورات قالبی جنسیتی (کلیشه‌ها) در ایران چیست

1. Mackey

دانشگاه شهید بهشتی به صورت داوطلبانه در هفت گروه متمرکز 6 - 8 نفری جهت بحث در مورد ادراک از زنانگی مشارکت کردند (میانگین سنی، 20/20 و انحراف استاندارد سن، 1/41). سه گروه متمرکز از دانشجویان فارس، دو گروه از دانشجویان ترک و دو گروه از دانشجویان کرد بودند (برای مشاهده ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه به جدول 1 مراجعه کنید).

زنان جوان از هنجارهای زنانگی را مورد بررسی قرارداد.

جامعه مورد بررسی این پژوهش را دانشجویان زن دانشگاه شهید بهشتی که در رده سنی 18 تا 25 سال قرار داشتند و خود را متعلق به یکی از سه قومیت فارس، ترک و یا کرد می‌دانستند تشکیل دادند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده گردید.

فرایند پژوهش: چهل و پنج دانشجوی زن

جدول 1. ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه به تفکیک قومیت.

قومیت	تعداد	میانگین سنی	انحراف استاندارد سن
فارس	20	20/25	1/37
ترک	13	20/75	1/54
کرد	12	19/58	1/16

دید جامعه‌شان صحبت کنند و درباره معنایی که هر کدام از این موضوعات برای آن‌ها داشته حرف بزنند. به‌طور کلی، در هر گروه متمرکز، مشارکت‌کنندگان درباره انتظارات جامعه از زنان جوان و معانی این انتظارات برای آنان صحبت کردند. هر گروه به‌طور متوسط یک ساعت و نیم صحبت کردند.

بعد از هر مصاحبه گروهی مصاحبه پیاده‌سازی شده، با اصل صداها ضبط شده مطابقت داده و تصحیح گردید. سپس داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا کدگذاری شده و تحلیل گردید. این روند با هر گروه جدید ادامه پیدا کرد تا زمانی که بحث‌های گروهی دیگر به طبقه مفهومی جدیدی نپرداختند و پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که داده‌ها غنی شده است.

مطابق با فلسفه زیربنایی روش کیفی گروه متمرکز، محورهای کلی بحث با توجه به موضوع تحقیق پیش از برگزاری گروه‌های متمرکز مشخص گردید، اما جریان گفتگو با توجه به بحث‌ها و تجربیات مشارکت‌کنندگان پیشرفت.

در هر گروه بعد از معارفه و معرفی پژوهش و تسهیل‌گر، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد به تجارب خود بیان‌دهند و دو تا سه انتظاری که دیگران به‌عنوان یک زن از آن‌ها داشته‌اند بنویسند، این انتظارات می‌توانند شامل داشتن یک سری صفات شخصیتی، نحوه رفتار، تفکر یا احساس و یا هر چیز دیگری باشند. پس از اینکه تمامی اعضای گروه دو - سه انتظار دیگران از خودشان را نوشتند، از گروه خواسته شد که درباره آنچه نوشته شده گفتگو کنند، از تجارب خود مثال بیاورند، درباره اولویت هر کدام از این انتظارات از

## یافته‌ها

تفاوت داشتند. از تحلیل محتوای مصاحبه‌های این هفت گروه، 8 تم مشترک به دست آمد که بیانگر ادراک مشارکت‌کنندگان از انتظارات جامعه از آنان بود. علاوه بر این قومیت ترک به یک تم مفهومی دیگر به نام داشتن مهارت‌های اجتماعی زنانه اشاره کرد. برای مشاهده این 9 تم و مثال‌های از هر کدام به جدول دو مراجعه کنید.

تحلیل محتوای مصاحبه‌ها نشان داد که به غیر از یک استثنا (داشتن مهارت‌های اجتماعی که تنها در گروه‌های متمرکز ترک مطرح شد)، محورهای مفهومی به دست آمده از هر سه قومیت مشابه یکدیگر بودند. اگرچه مشارکت‌کنندگان قومیت‌های مختلف در معنا کردن این مفاهیم و اولویت دادن به آن‌ها با یکدیگر تا حدودی

جدول 2. گروه‌بندی تم‌های انتظارات ادراک شده، مثال‌ها و فراوانی.

درصد فراوانی	فراوانی	مثال	انتظارات ادراک شده
35/6%	46	- درس خواندن - تلاشگر بودن - با انگیزه بودن - تلاش برای تحصیل و شغل	جهت‌گیری موفقیت
23/2%	30	- متین بودن - سنگین بودن - محرم و نامحرم را شناختن - بلند نخندیدن	نجابت
12/3%	16	- دیندار بودن - اخلاقی بودن - توجه به حلال و حرام	دینداری
7/7%	10	- آشپزی - خیاطی - خانه‌داری	کدبانوگری
6/1%	8	- زیبا بودن - شیک‌پوش بودن - به‌ظاهر خود رسیدن	زیبایی و رسیدگی به‌ظاهر
6/1%	8	- مؤدب بودن - احترام به بزرگ‌ترها	ادب و احترام به بزرگ‌تر
3/8%	5	- مهربان بودن - پررو نبودن - مطیع بودن	صفات زنانه
3/8%	5	- سربلند کردن خانواده - شرمسار نکردن خانواده	اهمیت دادن به وجهه و آبروی خانواده
1/6%	2	- خوش اخلاق و اجتماعی بودن - بلد بودن اینکه در هر موقعیت اجتماعی چطور برخورد کنند	داشتن مهارت‌های اجتماعی

بعد وقتش در اختیار خانواده‌س، شغلش سنگین نیست؛ یعنی باز از این جهت [برای شاغل بودن زنها] به محدودیتی وجود داره که شغل پردردسر نداشته باشن. کلاً می‌خواستم بگم جامعه قبول کرده که خانوما وارد جامعه بشن، ولی می‌گه تو در صورتی باید وارد جامعه بشی که یک مادر عالی باشی، یک همسر نمونه باشی و خب حالا سر کارت هم باید بجنگی که حقوقتو بگیری. همیشه که سرکارت بگی خسته‌ام، من ظرف شستم، من خونه‌داری کردم. سرکارت‌م باید عالی باشی، برای همین دبیری رو خیلی می‌پسندن».

برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان این‌طور گفتند که موفقیت تحصیلی از دو جهت می‌تواند مهم باشد، از یک طرف شرایط اقتصادی امروزه ایجاب می‌کند که زنان نیز در برداشتن بار اقتصادی خانواده سهیم باشند و داشتن تحصیل به آن‌ها کمک می‌کند که مشاغل بهتر و پردرآمدتری داشته باشند و از طرف دیگر تحصیل می‌تواند در خدمت ارتقای سایر نقش‌های زنانه خصوصاً مادر بودن قرار گیرد.

**ب) نجابت:** در شش گروه از هفت گروه متمرکز، مصاحبه‌شوندگان پس از بحث و گفتگو با یکدیگر به این نتیجه رسیدند که از نظر جامعه و فرهنگ آن‌ها نجابت و متانت اولویت اصلی را در بین انتظارات جامعه از زنان دارد. البته تعدادی از مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که اگرچه نجابت در مقام اول قرار می‌گیرد، اما نجابت و تحصیل باید در کنار یکدیگر قرار بگیرند تا انسان فردی ارزشمند در جامعه‌اش به حساب بیاید.

در ادامه ابتدا با استفاده از نقل قول‌هایی از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش به توضیح مفصل‌تر این انتظارات می‌پردازیم و سپس تفاوت‌هایی را که در گروه‌های قومیتی مختلف وجود داشت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

**الف) جهت‌گیری موفقیت:** اکثریت مشارکت‌کنندگان این پژوهش (29 نفر، 64%) تلاش برای موفقیت تحصیلی را از جمله انتظارات اطرافیان و جامعه از خود دانستند. علاوه بر این، تلاش برای دستیابی به جایگاه شغلی مناسب پس از اتمام تحصیل و داشتن ویژگی‌هایی همچون پشتکار و انگیزه که لازمه دستیابی به موفقیت‌اند نیز در بحث‌های گروهی به‌عنوان انتظاری که از زنان جوان می‌رود مطرح شد.

اما تعدادی از مشارکت‌کنندگان به این نکته اشاره کردند که از آنان انتظار می‌رود بتوانند موفقیت تحصیلی و شغلی را با مسئولیت‌های اصلی زنانه یعنی همسر و مادر خوب بودن وفق دهند و شغل خوب برای آنان شغلی است که این امکان را فراهم آورد. مثلاً یکی از مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد که در شهر آن‌ها بهترین شغل برای زنان را معلمی می‌دانند.

ن (19 ساله، فارس): «دوستم گفت که [بهترین شغل برای زنها] دبیری و معلمیه، می‌خواستم اینو بگم که واقعاً برای خانم‌ها معلمی خیلی ارزشش بالاتره تا مثلاً دکتری. مثلاً الآن من خودم اصالتاً بهبهانیم، بعد داخل بهبهان [وقتی برای خواستگاری می‌روند] می‌پرسن که شاغله؟ می‌گن بله شاغله. بعد می‌پرسن دبیره؟ بعد می‌گن نه. خب خداحافظ. برای اینکه دبیر تمام تابستون مثلاً آزاده،

فوق‌العاده اهمیت دارد. حالا می‌شه گفت رفته‌رفته داره حساسیتش کم می‌شه همچین بفهمی - نفهمی. ولی هنوز هم [نبودنش] خیلی ملاک بزرگیه واسه این که یک جور شخصیت دختر را بیره زیر ذره‌بین».

ز (23 ساله، فارس): «الآن جدیداً این طوری شده که نجابت تو فرهنگ تعریفش تغییر کرده. باحجاب بودن یک زمانی آره [تعریف نجابت] بود، ولی الآن نه. الآن از هر خانواده یا عروس یا دختر یک خرده آن پوششی که ما تعریف می‌کنیم، ندارد. حداقل چادر ندارد. یک خرده هم موهاش بیرون است، البته حالا مثلاً آرایش غلیظی هم ندارد. خب این کم‌کم از یک روزنه‌ای به خانواده‌ها راه پیدا کرد. حالا این چیزیه که ما تغییر داده‌ایم».

ج (دین‌داری: ایمان و داشتن رفتار اخلاقی از دیگر مواردی بود که مصاحبه‌شوندگان این پژوهش باور داشتند از آن‌ها انتظار می‌رود.

ه (کرد، 20 ساله): «من احساس می‌کنم آگه نظر خانواده‌ام را بگم [اولویت] با ایمان بودن بیشتره، [خانواده] تأکید دارند رویش».

ن (فارس، 19 ساله): «مهم‌ترین خصوصیت انسان اخلاقیاته. این [ادم با اخلاق] کسی است که همه دوست دارن».

د (کدبانوگری: داشتن مهارت‌هایی همچون خانه‌داری، آشپزی و خیاطی از سایر مواردی بود که در مصاحبه‌ها مطرح گردید.

ط (فارس، 22 ساله): «کدبانو بودن [از زن‌ها انتظار می‌رود]. خونه تمیزی داشته باشه، خونه رو خوب چیده باشه، لباس بچه‌هاشو خوب خریده

الف (20 ساله، کرد): «پدر و مادرم همیشه می‌گفتند هرکاری می‌خواهی بکنی، هرچی دنیا می‌خواهی بروی، کاری انجام بدهی، درس بخوانی، تنها چیزی که یادت نرود اینه که خودت رو حفظ کن. اون چیزی که برای دختر مهمه حجب و حیایه است که باید همیشه نگه دارد».

از نظر مصاحبه‌شوندگان این پژوهش، جوهره اصلی آنچه جامعه تحت عنوان نجابت و متانت از زنان می‌خواهد، حفظ حریم در ارتباط با مردان است. اگرچه در میان گروه‌های مختلف و در نقاط مختلف ایران ممکن است رفتارهای متفاوتی تحت عنوان متانت یا عدم متانت قرار گیرد، اما محور اصلی همان حفظ حریم بین دو جنس است.

م (20 ساله، فارس): «تعجب بودن یعنی زیاد با کسی [منظور مردان است] دم‌خور نشدن. وقتی بیرونی زیاد لب‌خند نزنه، مثلاً اون حریم را رعایت کنی. زیاد دور و برت را نگاه نکنی. پوششی که داره به خودت نزدیک‌تر کنی. ولی بیشترین چیزی که خودم فهمیدم [نجابت یعنی] زیاد با آدم‌های اطرافت و مخصوصاً جنس مخالف تماس نداشته باشی، نخواهی [با مردها] زیاد صحبت کنی».

بسیاری از مصاحبه‌شوندگان مفاهیم نجابت و حجاب را در کنار یکدیگر آورده و معتقد بودند در جامعه آنان حفظ حجاب نشانه رفتاری نجابت به شمار می‌آید. اگرچه برخی دیگر معتقد بودند که در سال‌های اخیر تغییراتی در این زمینه رخ داده و جامعه تاحدی نسبت به حجاب سهل‌گیرتر شده است.

ز (21 ساله، فارس): «مخصوصاً توی یزد ما هنوز حجاب برتر زن‌ها یعنی همون چادر،

در بحث‌ها مطرح شد. اگرچه اصل داشتن ادب و احترام گذاشتن در تمامی قومیت‌ها مورد توافق بود، نحوه نشان دادن این ادب و احترام تا حدودی در گروه‌های مختلف قومیتی متفاوت بود. برای مثال در جلسه گروه متمرکز مصاحبه‌شوندگان کرد درباره بوسیدن دست بزرگترها به‌عنوان نشانه‌ای از احترام بحث گردید، در حالی که در قومیت فارس احترام گذاشتن به‌صورت کلی‌تر حفظ ادب بود.

د (کرد، 20 ساله): «ما هنوزم همین جوریم، مثلاً من الآن مامان بزرگ و بابابزرگم که فوت کردن دست عمو و خاله و عمه و داییو از اول تا آخر باید ببوسیم، حتی اگه هرروز همدیگه رو ببینیم».

و) داشتن صفات زنانه: از جمله سایر انتظاراتی که مصاحبه‌شوندگان باور داشتند از آنان می‌رود، داشتن برخی صفات شخصیتی بود که در جامعه زنانه شمرده می‌شوند. مهربانی، احساساتی بودن، نداشتن جسارت، سربه‌زیری و مطیع بودن از جمله این صفات شخصیتی بودند که مورد بحث قرار گرفتند.

ل (فارس، 21 ساله): «به نظر من تو جامعه ما خانوما، دخترها، وقتی بهشون می‌گن خوب که مثلاً حرف گوش کن باشن، زیاد نخوان حقشونو بگیرن، زیاد دنبال حق و حقوقشون نباشن همش بگن چشم، بیشتر تو جامعه ما مردم از ما انتظار دارن که اینطوری باشیم».

ه) اهمیت دادن به وجهه و آبروی خانواده: تلاش برای حفظ وجهه خانواده در اجتماع، بالا بردن آن و خودداری از انجام هرگونه کاری که

باشه و خوش‌تیپ باشن. بعدم آشنیزی، خیاطی هم هست، اما بیشتر آشنیزی».

ح) رسیدگی به ظاهر و زیبایی: برخی از مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره کردند که زیبایی یکی از معیارهایی است که زنان براساس آن مورد قضاوت قرار می‌گیرند. به همین دلیل از زنان انتظار می‌رود که برای داشتن ظاهری زیبا تلاش کنند.

ف (کرد، 20 ساله): «[به نظر] من زیبایی [مهم است]. تو خونواده می‌گن فلان دختر خیلی زیبا بود، سریع ازدواج کرد و اینا. مثلاً نمی‌گن تحصیل کرده بود، می‌گن چقدر زیبا بود. مثلاً عمه‌هام وقتی دختری می‌بینن نگاه نمی‌کنن این شخصیتش چه جوهره، مثلاً نگاهش به زندگی [چه جوهره]».

ر (کرد، 19 ساله): «من می‌گم تو جامعه ما هرکی شیکپوش‌تر باشه، خوشگل‌تر باشه، تحصیلاتش بالاتر باشه بیشتر تحویلش می‌گیرن، بیشتر سلام علیک می‌کنند».

اما برخی مصاحبه‌کنندگان بر این نکته تأکید کردند که رسیدگی به ظاهر و تلاش برای زیبایی باید در کنار نجابت و متانت باشد. به عبارت دیگر از نظر جامعه آنان تلاش برای زیبایی اگر به قیمت زیرپا گذاشتن اصول نجابت باشد پذیرفته نمی‌شود.

پ (فارس، 19 ساله): «به نظر من شیکپوش بودن مقبوله، تقریباً کل جامعه اونو می‌پذیرن. کسی از آدمی که به خودش نرسه خوشش نمیاد، [اما] کسی از یه فردی که جلف باشه و مثلاً خیلی زننده لباس بپوشه، اونم خوشش نمیاد».

ن) ادب و احترام به بزرگترها: ادب و احترام گذاشتن به بزرگترها از جمله سایر مسائلی بود که

بزرگ، دو تا غریبه هم اومد مجلس رو می‌تونه بگردونه. این برای یک دختر مزیت محسوب می‌شه [که] یک مجلس رو با صلح و آرامش بتونه بگردونه».

#### ه) شباهت‌ها و تفاوت‌های قومیتی:

همان‌طور که در ابتدای نتایج گفته شد، شباهت‌های بسیاری بین دیدگاه‌های زنان جوان قومیت‌های مختلف درباره زنانگی وجود داشت. جهت‌گیری موفقیت - خصوصاً تلاش برای داشتن تحصیلات بالا - از شاخصه‌هایی بود که در هر هفت گروه مورد تأکید و توجه قرار گرفته و جزو اولویت‌های برتر اطرافیان و جامعه برشمرده شدند. علاوه بر این تمامی تم‌های مفهومی، به استثنای اجتماعی بودن، در همه گروه‌ها مورد اشاره قرار گرفتند.

اولین تفاوت مشاهده شده بین گروه‌های قومیتی، مطرح شدن مهارت‌های اجتماعی زنانه در گروه‌های متعلق به قومیت ترک است. علاوه بر این، کدبانوگری نیز در گروه‌های متعلق به دو قومیت ترک و کرد بیش از قومیت فارس مورد تأکید و اولویت گذاری قرار گرفت. نکته دیگر اینکه تفسیر تم مفهومی احترام به بزرگ‌ترها در گروه قومیتی کرد از شکلی سنتی‌تر برخوردار بود. اگرچه در همه گروه‌ها احترام به بزرگ‌ترها از هنجارهای مهم جامعه برشمرده شدند اما در گروه کردها این احترام جلوه‌های رفتاری سنتی بیشتری داشت. در گروه‌های ترک و خصوصاً فارس، مسئله احترام بیشتر به صورت انتزاعی و معنایی مورد بحث قرار می‌گرفت تا مجموعه رفتارهای از پیش تعیین شده و خاص.

امکان داشته باشد خدشه‌ای به آبروی خانواده وارد کند، دیگر انتظاری بود که مشارکت‌کنندگان باور داشتند از آنان می‌رود. برخی از مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره کردند که در بعضی موارد عمل کردن به سایر انتظارات جامعه از آن‌ها در حقیقت برای پیروی از این انتظار است. به عبارت دقیق‌تر حفظ و ارتقای وجهه خانواده، به‌نوعی انگیزه دهنده آنان برای عمل به سایر هنجارهای اجتماعی است.

م (فارس، 19 ساله): «پدر و مادرم همیشه از من انتظار داشتند [تلاش کنم با درس خوندم به یه جایی برسم و باعث سرفرازیشون بشم]».

ز (فارس، 19 ساله): «پدر و مادر من به‌عنوان یه شخصی که در جامعه هستم از من همیشه خواستن حجاب که گفته پیامبران و ائمه است رو رعایت کنم و هیچ‌وقت با بی‌حجابی خودم باعث شرمندگی خانواده نشم».

#### ی) داشتن مهارت‌های اجتماعی: داشتن

مهارت اجتماعی تنها حوزه‌ای بود که فقط مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان یک قومیت، یعنی قومیت ترک، قرار گرفت. این مصاحبه‌شوندگان باور داشتند توانایی برگزاری و چرخاندن اجتماعات فامیلی و دوستانه، داشتن مهارت برخورد متناسب در گروه‌ها و جمع‌های مختلف از جمله مهارت‌های اصلی است که زنان باید دارا باشند.

ز (ترک، 22 ساله): «همین قضیه که توی مهمونی، توی عروسی، مثلاً دختری خوشرو است با همه بگو و بخند است و با همه مودبه، مامی‌گیم... اجتماعیه یعنی یک حالتیه که اگه می‌دونه با هر کی چه جور باید رفتار کنه. با بچه، بچه. با بزرگ،

## نتیجه‌گیری و بحث

یافته‌های این پژوهش اکتشافی مشخص ساخت که زنان جوان ایرانی انتظارات جامعه از خود را در قالب هشت تم مشترک ادراک می‌کنند؛ جهت‌گیری به سمت موفقیت، نجابت، دینداری، کدبانوگری، تلاش برای زیبایی و رسیدگی به‌ظاهر، احترام به بزرگترها، داشتن صفات شخصیتی زنانه، اهمیت دادن به وجهه خانواده. نهایتاً گروه‌های متعلق به قومیت ترک به یک تم مفهومی دیگر، یعنی داشتن مهارت‌های اجتماعی زنانه نیز پرداختند. برخی از این هنجارهای ادراک شده با آنچه محققین در جوامع غربی یافته‌اند مشترک‌اند. برای مثال ادراک زنان جوان ما از هنجارهای کدبانوگری و تلاش برای زیبایی و رسیدگی به‌ظاهر، با داشتن مهارت‌های گرداندن خانه و سرمایه‌گذاری در ظاهر که ماهالیک و همکاران (2005) در یافته‌های خود گزارش کردند مشابه است. تلاش برای زیبایی و رسیدگی به‌ظاهر، با یافته‌های چان و انجی<sup>1</sup> (2013) در بررسی نوجوانان چینی ساکن کانادا همخوانی دارد. صفات زنانه‌ای نیز که مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان ما قرار گرفت، زیرمجموعه‌ای از آنچه در پرسشنامه نقش‌های جنسیتی بـم<sup>2</sup> در ذیل نقش زنانه اندازه‌گیری می‌شود (بـم<sup>3</sup>، 1981) بودند.

یافته‌های پژوهش ما با سایر پژوهش‌های مربوط به زنانگی در ایران نیز هم‌خوانی دارد. برای مثال، این یافته‌ها همخوان با نتایج تحقیق رفعت‌جاه (1387) است که زنان هر دو نقش

خانگی و حرفه‌ای را برای خود حائز اهمیت فراوان می‌دانند. همچنین یافته‌های ما با برخی از ارزش‌هایی که در مطالعه ذکایی و قاراخانی (1386) مطرح گردیده بود همچون کدبانو بودن، متانت و برخی از صفات زنانه همچون عاطفی و احساسی بودن، اشتراکاتی دارد.

باوجود این، تعدادی دیگر از هنجارهای ادراک شده فراتر از آن چیزی بودند که در مطالعات دیگر زنانگی خصوصاً در جوامع غربی مورد اشاره قرار گرفته بود. برای درک بهتر این تفاوت‌ها بهتر است اشاره‌ای به فرهنگ امروز جامعه ایران داشت. تعدادی از نظریه‌پردازان و پژوهشگرانی که به مطالعه و بررسی فرهنگ ایرانی پرداخته‌اند نتیجه گرفته‌اند که فرهنگ امروزی ایران ترکیبی موزاییکی از فرهنگ‌های مختلف، خصوصاً فرهنگ سنتی خاورمیانه، فرهنگ اسلامی و فرهنگ مدرن غربی است (پایدار، 2001؛ الحاج<sup>4</sup>، 2002؛ رفعت‌جاه، 1387). از نظر گرگ<sup>5</sup> (2005) فرهنگ سنتی خاورمیانه مؤلفه‌هایی از هر دو جهت‌گرایی جمع‌گرایی و فردگرایی را حول محور دو ارزش اساسی آبرو و تواضع<sup>6</sup> سازمان بخشیده است. مفهوم آبرو با تأکید بر اهمیت دیدگاه جمع نسبت به فرد از یک طرف دارای مؤلفه‌های جمع‌گرایی است و از طرف دیگر با ترغیب تلاش‌های فرد برای بالا کشیدن خود در میان گروه و دستیابی به افتخار مؤلفه‌هایی از فردگرایی را به نمایش می‌گذارد. تواضع یا حیا از سوی دیگر اشاره دارد به نحوه

4. El-Hage  
5. Gregg  
6. Honor and Modesty

1. Chan & Ng  
2. Bem Sex Role Inventory (BSRI)  
3. Bem

همگی از دانشجویان یکی از دانشگاه‌های بنام دولتی ایران بودند. می‌توان انتظار داشت که جهت‌گیری موفقیت در اطرافیان و خانواده‌های این گروه از زنان جوان قابل تعمیم به سایر جمعیت ایرانی نباشد؛ اما رشد روزافزون میزان دانشجویان دختر در دهه‌های اخیر و مشارکت دختران جوان از تمامی نواحی ایران در تحصیلات دانشگاهی و تکمیلی (بهرامی و اعتمادی، 1392) احتمالاً حاکی از این است که جهت‌گیری موفقیت برای زنان هنجاری قابل توجه برای اکثریت جامعه ایرانی است.

به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش نگاهی دقیق‌تر به محتوای زنانگی در جامعه امروز ایران نموده و درکی عمیق‌تر و مفصل‌تر از ادراک زنان جوان از آنچه جامعه از آن‌ها انتظار دارد فراهم آورده است. مطالعات بیشتری جهت بررسی هنجارهای ادراکی در سایر گروه‌های زنان، مقایسه این هنجارها در نسل‌های مختلف زنان ایرانی و ارزیابی پیامدهای این هنجارهای ادراکی بر هویت زنان، سلامت روانی آنان، فرایندهای تصمیم‌گیری آنان مورد نیاز است.

برخورد افراد باکسانی که در سلسله مراتب اجتماعی از جایگاه بالاتری برخوردارند. در ساختار سنتی جوامع خاورمیانه سن و جنسیت دو نمونه از عوامل تعیین‌کننده سلسله‌مراتب اجتماعی هستند و احترام و تواضع در برابر افرادی که در جایگاه بالاتر قرار دارند از ستون‌های اساسی این فرهنگ به شمار می‌رود (گرگ، 2005).

با توجه به توضیحاتی که داده شد هنجارهای احترام به بزرگترها و تلاش برای حفظ و ارتقای آبرو و وجهه خانواده نمایانگر بخشی از فرهنگ ایرانی است که برگرفته از ارزش‌های حاکم در فرهنگ سنتی خاورمیانه هستند (الحاج، 2002). به‌طور کلی شاید بتوان این‌گونه نتیجه گرفت که هنجاردینداری برگرفته از ارزش‌های اسلامی، هنجارهای احترام به بزرگترها و تلاش برای حفظ و ارتقای آبروی خانواده برخاسته از فرهنگ سنتی خاورمیانه و هنجار نجابت برگرفته از هردو بخش فرهنگ اسلامی و فرهنگ سنتی خاورمیانه در ایران امروزی باشند.

در تفسیر یافته‌های این پژوهش باید به این محدودیت توجه کرد که مصاحبه‌شوندگان ما

## منابع

- تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بهرامی، ف. و اعتمادی، الف (1392). «رشد تحصیلات زنان در ایران به‌عنوان الگویی از زنان مسلمان». شورای عالی انقلاب فرهنگی. کتاب سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده. تهران: نشر پیام عدالت. جلد دوم، صص 44-35.
- علی‌اکبری دهکردی، م؛ محتشمی، ط. و حسن‌زاده، پ (1391). «بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس نقش جنسی بم فرم کوتاه با تأکید بر تحلیل عاملی در جمعیت ایرانی». شناخت اجتماعی، 1، 44-58.

- رفعت‌جاه، م (1387). تأملی در هویت زن ایرانی.

- Bem, S.L. (1981). "The BSRI and gender schema theory: A reply to Spence and Helmreich". *Psychological Review*, 88, 369-371.
- Chan, K. and Ng, Y. (2013). "Canadian Chinese adolescent girls' gender roles and identities". *Intercultural Communication Studies*, Vol. 22, No. 2, 19-40.
- Cole, E. and Zucker, A. (2007). "Black and white women's perspective on femininity". *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, Vol. 13, No. 1, 1-9.
- El-Hage, T. (2002). *Religio-patriarchy and the gendered risk: The regulation of Iranian femininity in public spaces through the veil*. Master of Arts Thesis. Retrieved from <https://circle.ubc.ca/handle/2429/12459>.
- Garcia, A. (2008). "The Role of Descriptive and Prescriptive Gender Stereotypes in Performance Expectations of Female Leaders". *ASAC*, Vol. 29, No. 11, 6-18.
- Gregg, G.S. (2005). *The Middle East: A cultural psychology*. Oxford University Press.
- Mackey, S. (1998). *The Iranians: Persia, Islam and the soul of a nation*. New York: Plume.
- Mahalik, J.R.; Locke, B.D.; Ludlow, L.H.; Diemer, M.A.; Scott, R.P.; Gottfried, M. and Freitas, G. (2003). "Development of the Conformity to Masculine Norms Inventory". *Psychology of Men & Masculinity*, Vol. 4, No. 1, 3-25.
- Mahalik, J.; Morray, E.; Coonerty-Femiano, A.; Ludlow, L.; Slattery, S. and Smiler, A. (2005). "Development of conformity to feminine norms". *Sex Roles*, Vol. 52, Nos. 7/8, 417-435.
- Marshall, E.; Staples, J. and Gibson, S. (2009). "Ghetto fabulous: Reading black adolescent femininity in contemporary urban street fiction". *Journal of Adolescent & Adult Literacy*, 53(1), 28-36.
- Paidar, P. (2001). *Gender of democracy: the encounter between feminism and reformism in contemporary Iran*. Geneva: United Nations Research Institute for Social Development.
- Pikus, K. (2012). "Identifying Gender Bias in College Culture: Descriptive and Prescriptive Stereotypes, Hostile and Benevolent Sexism, and Cognitive Justification". *Interdisciplinary Business Management (major)*.
- Prentice, D. and Carranza, E. (2002). "What women and men should be, shouldn't be, are allowed to be, and don't have to be: The contents of prescriptive gender stereotypes". *Psychology of women quarterly*, vol. 26, 269-281.
- Prentice, D. and Carranza, E. (2004). *Sustaining cultural beliefs in the face of their violations: The case of gender stereotypes*. In Mark Schaller and Christian Crandall (Eds.). *The Psychological foundations of Culture*. PP 259-280. London: Lawrence Erlbaum Associates Publishers.
- Rudman, L.A. and Glick, P. (2001). "Prescriptive Gender Stereotypes and Backlash Toward Agentive Women". *Journal of Social Issues*, 57: 743-762. doi: 10.1111/0022-4537.00239
- Sanchez-Lopez, M.; Flores, I.; Dresch, V. and Aparicio-Garcia, M. (2009). "Conformity to feminine gender norms in the Spanish population". *Social Behavior and Personality*, Vol. 37, No. 9, 1171-1186.
- Zinn, M.B.; Hondagneu-Sotelo, P. and Messner, M.A. (2011). *Gender through the prism of difference*. New York: Oxford University Press.